

Government human rights obligations in the field of social crime prevention

Morteza Arefi*

Received: 2019/12/22

Accepted: 2020/12/27

The realization of social crime prevention, guaranteed by the economic and social rights of citizens, has always been accompanied by theoretical complexities and practical challenges. These kinds of rights have received far less attention than civil and political rights, both domestically and internationally. In addition, these rights are not accepted as a pure complaint in courts and judicial systems.

What is the position of human rights obligations of states in the field of economic, social and cultural rights of citizens in international documents such as The Universal Declaration of Human Rights, the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights and the Constitution of the Islamic Republic of Iran?: The main question of this article.

This research is basic. The results of this article can be used in the field of social and legal policy, as well as in the practical procedure of the courts. The researcher's approach is analytical and critical, and the method is to collect library content and refer to credible sources in the field of research i.e The Universal Declaration of Human Rights, the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights and the Constitution of the Islamic Republic of Iran.

Accordingly, this article after examining the nature of the obligations of governments to guarantee such rights, which is seen as an increasing commitment to consequence, discuss the most important task of governments in the field of economic, social and cultural law, such as the right to employment, the right to social security, the right to community acceptance and the right to adequate housing, all of which are measures of social prevention.

Keywords: Human rights, Right to adequate housing, Right to employment, Right to social security, Right to socialization, Social crime prevention.

* Assistant Professor of Law, Bu-Ali Sina University, Hamedan, I.R.Iran.
arefi1368@gmail.com

تعهدات حقوق بشری دولت در حوزه پیشگیری اجتماعی از جرم

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۷

مقاله برای بازنگری به مدت ۱۴۴ روز نزد نویسنده بوده است.

مرتضی عارفی*

چکیده

تحقق پیشگیری اجتماعی از جرم که با تضمین حقوق اقتصادی و اجتماعی شهروندان محقق می‌شود همواره با پیچیدگی‌های نظری و چالش‌های عملی همراه بوده است. این نوع از حقوق در مقایسه با حقوق مدنی و سیاسی در بُعد داخلی و بین‌المللی مهجور مانده‌اند. افزون بر آن، تردید در قابلیت دادرسی این حقوق موجب شده است که در اغلب کشورها، ادعای نقض این حقوق در محاکم مسموع نباشد و به تبع آن، نتوان حکم به ضمانت اجرای اداری، حقوقی و کیفری داد. پرسش اصلی مقاله آن است که الزامات و تکالیف حقوق بشری دولت‌ها در حوزه حقوق اقتصادی و اجتماعی شهروندان در اسناد بین‌المللی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چه جایگاهی دارند؟ این پژوهش در زمره تحقیقات بنیادی است. رویکرد محقق تحلیلی - انتقادی است و روش گردآوری داده‌ها اسنادی است. جهت تحلیل داده‌ها نیز از روش تحلیل اسناد حقوقی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش مستند به اسناد بین‌المللی به ویژه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و قانون اساسی حکایت از تعهد رو به تزاید یا فوری دولت‌ها در موضوع پژوهش حاضر دارد.

واژگان کلیدی: پیشگیری اجتماعی، حق بر اشتغال، حق بر تأمین اجتماعی، حق بر جامعه‌پذیری، حق بر مسکن، حقوق بشر.

مقدمه

بیان مسئله: «پیشگیری اجتماعی» تدابیری است که با تأثیرگذاری بر محیط زندگی و مراحل مختلف رشد انسان، با جرم مقابله می‌کند که این امر جز با عمل دولت به تکالیف خود محقق نمی‌شود. شناخت نوع تعهدات دولت و نحوه تبلور آن در اسناد بین‌المللی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مساله نوشتار حاضر است.

اهمیت: با توجه به هزینه‌بر بودن سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه و کاهش تأثیرات ناشی از این سیاست‌ها، شاهد اقبال عمومی به سیاست‌های پیشگیرانه هستیم. این امر دلالت بر اهمیت راهبردی موضوع پژوهش حاضر در جوامعی مانند ایران دارد.

ضرورت: عدم توجه به تدابیر پیشگیرانه اجتماعی می‌تواند به افزایش هزینه‌ها و توسعه عمق و گستره آسیب‌ها و تهدیدها منجر گردد. بر این اساس ضروری است تا ادبیات و الگوهای این رویکرد مدیریتی، ترویج و در عرصه مدیریت اجتماعی حاکم گردد.

اهداف: کمک به تقویت گفتمان مطالبه‌گری قضائی در خصوص نقض حقوق رفاهی، هدف اصلی مقاله است. در واقع به رغم وجود ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ که در آن محروم کردن شهروندان از حقوق مقرر در قانون اساسی جرم دانسته شده؛ اما به دلیل عدم وجود مبانی نظری قوی در پذیرش مسئولیت حقوقی و کیفری زمامداران، نقض حق‌های رفاهی کمتر در نظام حقوقی ایران امکان مطالبه دارد. ترویج رویکرد پیشگیری اجتماعی و برجسته‌سازی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های این رویکرد در حوزه مدیریتی کشور، در زمره اهداف فرعی پژوهش هستند.

سؤال‌ها و فرضیه: این پژوهش فرضیه‌آزمای نیست. پرسش اصلی مقاله عبارت است از: تعهدات حقوق بشری دولت در حوزه پیشگیری اجتماعی از جرم چیستند؟ سؤال‌های فرعی عبارتند از: ماهیت تعهدات دولت‌ها در قبال تأمین حق‌های رفاهی چیستند؟ مهم‌ترین اسناد بین‌المللی و داخلی در موضوع تکالیف حقوق بشری دولت‌ها کدامند؟

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مرتبط با موضوع مقاله را از حیث محل نشر آنها می‌توان به دو گروه دسته‌بندی نمود:

۱-۱. پیشینه پژوهشی موضوع در نشریه دانش سیاسی

با توجه به آنکه قلمرو موضوعی این مقاله در حوزه بینارشته‌ای است و با عمده مقالات منتشره در نشریه که مختص دانش علوم سیاسی، تمایزاتی دارد؛ تنها یک مقاله مرتبط یافت شد. ایوبی (۱۳۸۶) پس از بررسی دوران اوج و اقتدار دولت‌های رفاه به چالش‌های تضمین حق‌های اجتماعی در دهه اخیر پرداخته است.

۱-۲. پیشینه پژوهشی موضوع در سایر منابع

آثار موجود را با عنایت به رویکرد محقق به موضوع پیشگیری اجتماعی، می‌توان به سه دسته زیر تقسیم‌بندی کرد:

الف. منابع متمرکز بر تعامل پیشگیری از جرم با موضوعات حقوق بشری

نجفی ابرندآبادی (۱۳۸۹) با تأکید بر جنبه حقوق بشری پیشگیری، به نحوه تعامل حقوق بشر و پیشگیری از جرم در هر یک از مصادیق تدابیر پیشگیرانه پرداخته است. رحمدل (۱۳۹۱) نیز بر تعامل حقوق بشر و حقوق کیفری، تأکید داشته و از تعیین مجازات در قبال نقض این حقوق بحث نموده است.

ب. منابع متمرکز بر رویکرد جامعه‌شناسانه نقض حقوق بشری

صادقی، شقاقی شهری و اصغرپور (۱۳۸۴)، عنبری و بقایی (۱۳۹۳)، عباسی‌نژاد، رضانی و صادقی (۱۳۹۱)، خواجه صالحانی و اعظم آزاد (۱۳۹۴) و فعال‌جو، ملابهرامی و امیری (۱۳۹۶) با انجام پژوهش‌های میدانی، و با رویکرد جامعه‌شناسانه به بررسی نقض حق‌های رفاهی پرداخته‌اند.

پ. منابع متمرکز بر چالش‌های تحقق حق‌های رفاهی

اسماعیلی، امینی پژوه (۱۳۹۵)، اسلامی و آجلی لاهیجی (۱۳۹۵) نظام حاکم بر تعهدات دولت در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و چالش‌های توسعه اجتماعی در نظام بین‌الملل حقوق بشر را مورد بررسی قرار داده‌اند.

در آثار موجود با رویکردهای حقوق بشری، حقوق کیفری، پیشگیرانه یا جامعه‌شناسانه محض به موضوع توجه شده و ارتباط میان حق‌های رفاهی با پیشگیری اجتماعی و به تبع آن تکالیف دولت بحث نشده است. در مقاله حاضر شناسایی و تحلیل این ارتباط محوریت دارد که برجستگی و نوآوری آن را شکل می‌دهد.

۲. مبانی مفهومی و نظری

مفاهیم و مبادی نظری این نوشتار به شرح زیر است:

۲-۱. پیشگیری اجتماعی

«پیشگیری اجتماعی» نوعی از مدیریت در حوزه پیشگیری است که ویژگی بارز آن مداخله دولت به شکل فعال در محیط اجتماعی زندگی افراد است. ارکان اصلی این الگوی پیشگیری عبارتند از: مدیریت زمینه‌های اساسی بروز جرایم، فراهم آوردن زمینه‌های ضروری برای زندگی مبتنی بر کرامت انسانی و صیانت از حقوق رفاهی شهروندان (Lab, 2014, p.353; Grant, 2015, p.4). این‌گونه پیشگیری، تلخیص عبارت «پیشگیری از رهگذر توسعه اجتماعی» است و اشاره به مداخلاتی دارد که با هدف تأثیرگذاری بر افرادی که به لحاظ اجتماعی و اقتصادی محروم هستند و احتمال پایداری آنها در بزهکاری وجود دارد اجرا می‌شود (Waller, 1985, p.2).

۲-۲. جرم

به استناد ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، می‌توان چنین اظهار داشت که: جرم عبارت است از عمل و یا ترک عملی که در قانون برای آن مجازاتی تعریف و مشخص شده است.

۲-۳. تعهد دولتی

تعهد دولت دلالت بر مجموعه‌ای از مسئولیت‌ها دارد که یک دولت در برابر شهروندانش به منظور تحقق اهداف رفاهی لازم است عهده‌دار گردد (ایوبی، ۱۳۸۶، ص. ۴۱). از مباحث بنیادین در ادبیات حقوق بشری، تبیین ماهیت این تعهدات است. در خصوص این تعهدات نظریه‌های مختلفی ارائه شده است (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص. ۴۲) که در این خصوص می‌توان سه نگرش اصلی را از هم تمییز داد: اول. رویکرد «تعهد به وسیله»؛ یعنی دولت صرفاً در چهارچوب وسایل و امکاناتی که در اختیار دارد بایستی حق‌های شهروندان را رعایت و تضمین کند و فراتر از آن تکلیفی ندارد (Frequently Asked Questions on Economic, Social and Cultural Rights, 2008, p.13).

دوم. رویکرد «تعهد به نتیجه»؛ بر این اساس هیچ عذری از دولت در عدم تضمین حق‌های رفاهی و اجتماعی پذیرفته نیست (کریون، ۱۳۸۷، ص. ۱۵۲).
نقدهایی بر هر یک از این دو دیدگاه وارد است: گروه نخست با پذیرش تعهد به وسیله، عملاً راه را برای فرار دولت‌ها از پذیرش مسئولیت تضمین حق باز می‌گذارند؛ چرا که هر دولتی به آسانی می‌تواند ادعا کند امکانات لازم را برای تضمین حق بر اشتغال شهروند یا حق بر تأمین اجتماعی و... نداشته است. از سوی دیگر قائلین تعهد به نتیجه، تکلیفی مالایطاق را بر دوش دولت می‌گذارند؛ مگر می‌توان همه دولت‌ها را فارغ از وضعیت جغرافیایی، منابع طبیعی در اختیار، نوپایی یا قدمت، درگیر شدن با حوادث و بلاهای طبیعی و انسانی به یک میزان مسئول تحقق حق‌های رفاهی دانست و به توان دولت بی‌اعتنا بود.

سوم. رویکرد «تعهد به نتیجه رو به تزاید»؛ بر این مبنا معیار سنجش عملکرد دولت در تضمین حق‌های رفاهی شهروندان، تلاش و برنامه‌ریزی است که می‌تواند با ابزارهایی همچون قانون‌گذاری محقق شود. در واقع در این چهارچوب عملکرد دولت در یک بازه زمانی سنجیده می‌شود نه با طرح دعوای یک شهروند. اتخاذ این دیدگاه افزون بر آنکه منطقی و عادلانه است با رویکرد اسناد بین‌المللی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز منطبق است.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث نوع، بنیادی و از جهت رویکرد محقق، توصیفی - تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی و برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل اسنادی استفاده شده است. دلیل استفاده از روش اسنادی آن است که در مطالعات حقوقی، معمولاً اسناد حقوقی دارای اعتبار بوده و مبنای اصلی تحلیل را شکل می‌دهند. برای این منظور گام‌های زیر برداشته شده است:

گام اول. شناسایی اسناد مبنا

در این پژوهش، مهم‌ترین اسنادی که تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در آنها طرح شده، به عنوان سند مبنا شناسایی و انتخاب شده‌اند. این اسناد حسب جنبه بین‌المللی و ترتیب تاریخی‌شان در جدول زیر معرفی شده‌اند.

جدول شماره (۱): مهم‌ترین اسناد بین‌المللی و داخلی در خصوص حق‌های رفاهی و اجتماعی

ردیف	عنوان	تاریخ تصویب (میلادی / شمسی)
۱	اعلامیه جهانی حقوق بشر	۱۳۲۷ / ۱۹۴۸
۲	کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان	۱۳۵۵ / ۱۹۵۱
۳	کنوانسیون حداقل معیارهای مربوط به تأمین اجتماعی	۱۳۳۱ / ۱۹۵۲
۴	کنوانسیون رفتار برابر در زمینه تأمین اجتماعی	۱۳۴۱ / ۱۹۶۲
۵	میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	۱۳۵۴ / ۱۹۶۶
۶	کنوانسیون حقوق کودک	۱۳۷۲ / ۱۹۸۹
۷	قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	۱۳۵۸
۸	قانون مربوط به تأمین زنان و کودکان بی سرپرست	۱۳۷۱
۹	قانون تهیه مسکن برای افراد کم‌درآمد	۱۳۷۲
۱۰	سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴	۱۳۸۲
۱۱	قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی	۱۳۸۳
۱۲	قانون برنامه ششم توسعه	۱۳۹۵

گام دوم. تعریف کلیدواژه‌ها

تعهدات حقوق بشری در حوزه حق‌های رفاهی و اجتماعی مستند به نظریه‌های مطرح شده در این حوزه در بردارنده موضوعات اصلی و محوری هستند که اهم این موضوعات عبارتند از: اشتغال، تأمین اجتماعی، تربیت و جامعه‌پذیر کردن، مسکن و آموزش.

گام سوم. تحلیل اسناد

کلیدواژه‌های شناسایی شده؛ در اسناد مبنا جستجو شده و به این ترتیب داده‌های مورد نیاز برای تحلیل به شرح زیر بدست آمده‌اند:

جدول شماره (۲): کلیدواژه‌های مرتبط در اسناد بین‌المللی و داخلی

استاد حقوقی	کلیدواژه			
	اشتغال	تأمین اجتماعی	تربیت و جامعه‌پذیر کردن	مسکن
اعلام به جهانیان حقوق بشر	هر کس حق کار و حق برگزیدن آزادانه کار با شرایط عادلانه و رضایت‌بخش را دارد.	هر کس از حیث اینکه عضو جامعه محسوب است حق دارد از تأمین اجتماعی برخوردار گردد.	همگان در قبال اجتماعی که در آن دارای سطحی از زندگی باشند که سلامت ایشان را تضمین می‌نماید.	همگان حق دارند که هر کس حق دارد از تعلیم و تربیت استفاده کند.
کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان	در مورد حق اشتغال به کار با دریافت دستمزد هر دولت متعهد است که مطابق قانون در مطلوبترین رفتاری را که در چنین موارد نسبت به اتباع دول بیگانه معمول می‌دارد به عمل خواهد آورد.	دول متعهد در موارد زیر نسبت به پناهندگانی که مطابق قانون در سرزمین آن‌ها بسر می‌برند مانند اتباع خود رفتار خواهند کرد: ... (ب) تأمین اجتماعی.	دول متعهد در مورد مسکن در قبال پناهندگان رفتاری معمول قبال پناهندگان مانند اتباع خود رفتار خواهد نمود.	دول متعهد در مورد مسکن در قبال پناهندگان رفتاری معمول قبال پناهندگان مانند اتباع خود رفتار خواهد نمود.
کنوانسیون حداقل معیارهای مربوط به تأمین اجتماعی	در این کنوانسیون، بیمه تأمین اجتماعی شامل حمایت پزشکی، بیمه بیکاری، بیمه بازنشستگی، بیمه حوادث کار، بیمه زایمان پیش‌بینی شده است.	در این کنوانسیون نیز بیمه تأمین اجتماعی شامل حمایت پزشکی، بیمه بیکاری، بیمه بازنشستگی، بیمه حوادث کار، بیمه زایمان پیش‌بینی شده است.		
کنوانسیون رفاه برابر در زمینه تأمین اجتماعی	در این کنوانسیون نیز بیمه تأمین اجتماعی شامل حمایت پزشکی، بیمه بیکاری، بیمه بازنشستگی، بیمه حوادث کار، بیمه زایمان پیش‌بینی شده است.	در این کنوانسیون نیز بیمه تأمین اجتماعی شامل حمایت پزشکی، بیمه بیکاری، بیمه بازنشستگی، بیمه حوادث کار، بیمه زایمان پیش‌بینی شده است.		
میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	کشورهای طرف این میثاق می‌پذیرند که حق همگان را در زمینه برخورداری عادلانه و مساوی برای کار پیش‌بینی کنند.	کشورهای طرف این میثاق می‌پذیرند که حق همگان را در تأمین اجتماعی (مانند بیمه‌ای اجتماعی) به رسمیت بشناسند.	کشورهای طرف این میثاق قبول می‌کنند تا حق همگان را در برخورداری از سطح زندگی مناسب (در پرورش به رسمیت سطح خود فرد و خانواده فرد) و بهبود شرایط زندگی‌اش به رسمیت بشناسند.	کشورهای طرف این میثاق قبول می‌کنند تا حق همگان را در برخورداری از سطح زندگی مناسب (در پرورش به رسمیت سطح خود فرد و خانواده فرد) و بهبود شرایط زندگی‌اش به رسمیت بشناسند.

کلیدواژه					اسناد حقوقی
آموزش	مسکن	تربیت و جامعه‌پذیر کردن	تأمین اجتماعی	اشتغال	
کشورهای طرف	کشورهای طرف	کشورهای متعهد به کنوانسیون، می‌پذیرند	کشورهایی که این کنوانسیون را پذیرفته‌اند، این کنوانسیون حق کودک را برای همه کودکان حق برخورداری از امنیت اجتماعی (و به طور مشخص بیمه اجتماعی) را قبول دارد و تعهد می‌نمایند.		کنوانسیون حقوق کودک
کشورهای طرف	کشورهای طرف	کشورهای متعهد به کنوانسیون، می‌پذیرند	کشورهایی که این کنوانسیون را پذیرفته‌اند، این کنوانسیون حق کودک را برای همه کودکان حق برخورداری از امنیت اجتماعی (و به طور مشخص بیمه اجتماعی) را قبول دارد و تعهد می‌نمایند.	جامعه به وجود مشاغل مختلف نیاز دارد و بر این اساس دولت باید شرایط مساوی برای افراد جهت انتخاب و احراز شغل مورد نظرشان را فراهم سازد (با توجه به توانمندی‌هایشان).	قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
کشورهای طرف	کشورهای طرف	کشورهای متعهد به کنوانسیون، می‌پذیرند	کشورهایی که این کنوانسیون را پذیرفته‌اند، این کنوانسیون حق کودک را برای همه کودکان حق برخورداری از امنیت اجتماعی (و به طور مشخص بیمه اجتماعی) را قبول دارد و تعهد می‌نمایند.	گروهی از زنان و کودکان که تحت پوشش هیچ قانون حمایتی‌ای نیستند؛ مستند به آموزه‌های عالی اسلام به منظور صیانت از حقوق اجتماعی زنان و کودکان بی‌سرپرست با هدف پیرایش آثار فقر از جامعه اسلامی، توسط این قانون باید مورد حمایت قرار گیرند.	سند قانونی مربوط به تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست

کلیدواژه					استاد حقوقی
آموزش	مسکن	تربیت و جامعه‌پذیر کردن	تأمین اجتماعی	اشتغال	
	به منظور تأمین مسکن برای محرومین سراسر کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است علاوه بر وصول مالیات‌های مقرر، نیم درصد از درآمد مشمول مالیات بانک‌های کشور را اخذ و به حساب مخصوص خزانه واریز و معادل صد درصد وجوه دریافتی از حساب خزانه در قالب قانون بودجه به حساب ۱۰۰۰ (صد) حضرت امام (رحمة‌الله‌علیه) (ویژه کمک به مسکن محرومین) واریز نماید.				قانون تهیه مسکن برای افراد کم‌درآمد.
			جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت برخوردار از رفاه و تأمین اجتماعی	جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت: ... رسیدن به اشتغال کامل	ایران در افق ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی سند چشم‌انداز
			نظام تأمین اجتماعی باید با هدف انسجام بخشی به سیاست‌های رفاهی در راستای توسعه عدالت اجتماعی و همچنین حمایت از شهروندان در برابر رویدادهای مختلف، برقرار گردد.		قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی

کلیدواژه					اسناد حقوقی
آموزش	مسکن	تربیت و جامعه‌پذیر کردن	تأمین اجتماعی	اشتغال	
	دولت موظف است به منظور کاهش آسیب‌پذیری سکونت‌گاه‌های روستایی و همچنین تأمین مسکن برای اقشار کم‌درآمد شهری منابع مالی و تسهیلات ارزان قیمت و زمین مورد نیاز را به عمل آورد.		دولت مکلف است در اجرای بند (۴۰) سیاست‌های کلی برنامه ششم، نسبت به تدوین برنامه، برقراری، استقرار و روزآمدسازی نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی چند لایه اقدام کند.	دولت مکلف است به منظور نیل به رشد و توسعه اقتصادی بر پایه عدالت نسبت به اعمال سیاست‌های اشتغال‌زایی برنامه، برقراری، استقرار و روزآمدسازی نظام باید مبتنی بر کاهش نرخ بیکاری به میزان حداقل هشت‌دهم درصد سالانه در طول سال‌های اجرای قانون برنامه باشد.	ماده ۲۱ قانون اساسی

با توجه به جدول بالا مشخص می‌شود که مهم‌ترین تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در حوزه پیشگیری اجتماعی از جرم حسب اولویت عبارتند از: تأمین اشتغال کامل؛ تدوین نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی؛ آموزش عمومی و جامعه‌پذیرسازی؛ تأمین مسکن و سرپناه مناسب و آموزش و پرورش رایگان.

۴. تحلیل یافته‌ها

بر این اساس و مستند به یافته‌های حاصل از جدول شماره (۲) می‌توان مهم‌ترین حق‌های رفاهی و اجتماعی شهروندان و همچنین تعهدات حقوق بشری دولت‌ها را برای پیشگیری اجتماعی از جرم به شرح زیر برشمرد:

۴-۱. حق بر اشتغال

الف. تبیین

«حق بر اشتغال» به مثابه حقی مثبت محسوب می‌شود که تحقق آن مستلزم مداخله دولت به عنوان متعهد است. این حق مشتمل بر زیرمجموعه‌هایی همچون آزادی از کار اجباری، حق برخورداری از دستمزد عادلانه، حق بر فراغت و محدودیت معقول ساعات کار، شرایط کاری ایمن و سالم و حق تشکیل و پیوستن به اتحادیه‌های کارگری و همچنین اعتصاب می‌شود (Frequently Asked Questions on Economic, Social and Cultural Rights, 2008, p.2).

ب. جلوه‌های قانونی

این حق در موارد متعددی مورد تأکید قرار گرفته که از آن جمله می‌توان به ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره داشت. بند ۳ این ماده، استحقاق هر شهروند به برخورداری از مزد منصفانه و رضایت‌بخشی را بیان می‌کند که زندگی او و خانواده‌اش را به نحوی که موافق شئون انسانی باشد تأمین کند. لذا درآمدی که شخص از طریق اشتغال به دست می‌آورد باید به میزان و کیفیتی باشد که کرامت انسانی او را تأمین نماید. باید توجه داشت که بهره‌مندی از این حق در همه حالات متصور نیست، بلکه لازم می‌آید تا دولت با تأسیس یک ساختار اجتماعی سالم، زمینه تحقق این حقوق را ذیل حمایت و نظارت دولت، برای افراد ممکن سازد (هاشمی، ۱۳۸۳، ص. ۱۷۰). این حق در قلمرو نظام حقوقی ایران، در اصل بیست و هشتم و بند ۲ و ۴ اصل چهل و سوم قانون اساسی بیان شده است. افزون بر آن در قوانین برنامه توسعه پنج‌ساله توسعه، راهبردهایی به منظور تأمین اشتغال پیش‌بینی شده است. به عنوان نمونه ماده ۳ برنامه ششم توسعه، دستیابی به رشد اقتصادی ۸ درصد را منوط به عوامل متعددی می‌داند که یکی از آنها نرخ رشد متوسط سالانه ۴ درصد در حوزه اشتغال است. افزون بر آن سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، جامعه ایران را واجد شرایطی از جمله «برخوردار از فرصت‌های برابر» و «رسیدن به اشتغال کامل» می‌داند.

پ. کارکرد پیشگیرانه

حق بر اشتغال کارکردی پیشگیرانه دارد و افزون بر آن موجبات تضمین و پاسداشت کرامت انسانی را فراهم می‌آورد. با این توضیح بیکاری که نقطه مقابل اشتغال است می‌تواند از جمله علل بروز رفتارهای کژمدار، انحراف‌گونه و گاه بزهکارانه باشد (عارفی، ۱۳۹۲، ص. ۷۸). این ادعا گاه محور نظریات جرم‌شناسی و در مواردی فرضیه پژوهش‌های میدانی قرار گرفته است. به عنوان نمونه در چهارچوب نظریه «پیوند اجتماعی» به طور ضمنی به امکان انحراف و بزهکاری در صورت تحقق شرایط، اشاره شده است. این نظریه مبتنی بر چند رکن اصلی می‌باشد: وابستگی؛ تعهد و اعتقاد. سؤال اساسی در این نظریه این است: انسان به عنوان موجودی قدرت‌طلب مطرح است که

خواهان آزادی عمل است؛ با این حال چه چیزی او را به قانون‌گرایی رهنمون می‌شود؟ (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیکی، ۱۳۹۳، ص. ۷۷). پیروان این نظریه «مشارکت» را از جمله علل قانون‌گرایی و هم‌نوایی می‌دانند. این موضوع، جلوه‌های گوناگونی می‌تواند داشته باشد که از جمله آنها، اشتغال به‌کار است. در تأیید این نظر برخی از جرم‌شناسان بیان می‌دارند که جهت‌گیری پیشگیری اجتماعی تا حدود زیادی بازتاب نظریه کنترل اجتماعی است (جندلی، ۱۳۹۳، ص. ۶۴).

نتایج حاصل از تحقیقات میدانی نیز در مواردی رابطه میان بیکاری و ارتکاب جرم را نشان می‌دهند. درحالی‌که بر مبنای برخی پژوهش‌ها، افزایش دستمزدهای ساعتی، شغل‌های با کیفیت بالاتر و شغل‌های باثبات با کاهش جرایم ضد اموال همبستگی مثبت دارند پژوهش‌های دیگر یا هیچ‌گونه رابطه‌ای میان دو متغیر بیکاری و ارتکاب جرم نیافته‌اند یا آنکه این رابطه را بر فرض وجود، معنادار نمی‌دانند (برنارد، اسنیس و جرولد، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۹). با این وجود برخی پژوهش‌های انجام شده در ایران به لحاظ تجربی ادعای همبستگی را تأیید می‌کنند؛ به عنوان نمونه در یک پژوهش که با هدف ارزیابی رابطه بین بیکاری و جرم در ایران انجام شده است گویای آن است که رابطه مستقیمی بین متغیر بیکاری و سه جرم قتل عمد، سرقت و خودکشی وجود دارد که معمولاً این متغیر با وقفه‌های یک یا دو دوره‌ای اثرگذاری خود را نشان می‌دهد (عباسی‌نژاد، رمضان‌ی و صادقی، ۱۳۹۱، ص. ۶۵). در پژوهشی دیگر که طی آن، عوامل اقتصادی دو جرم سرقت و قتل در ۲۶ استان طی دوره‌ای پنج‌ساله (۱۳۸۰-۱۳۷۶) ارزیابی شده است نتایج حکایت از آن دارد که در دوره مورد بررسی، متغیرهای نرخ بیکاری، نابرابری درآمدی و صنعتی شدن از جمله متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر سرقت در ایران بوده است به نحوی که افزایش نرخ بیکاری و نابرابری درآمدی موجب افزایش نرخ سرقت در ایران شده است. افزون بر آن، نتایج بررسی علل اقتصادی ارتکاب قتل در ایران بر این دلالت دارد که متغیرهای نرخ بیکاری، فقر نسبی و نابرابری درآمدی از جمله عوامل تعیین‌کننده ارتکاب قتل در ایران هستند (صادقی، شقاقی شهری و اصغری‌پور، ۱۳۸۴، ص. ۶۳). نتایج این پژوهش با پژوهش دیگری که با هدف بررسی ارتباط بین سرقت و نحوه توزیع درآمد در ایران انجام شده است سازگار است که به موجب آن، میان توزیع درآمد و سرقت رابطه معناداری وجود دارد به نحوی که با تشدید نابرابری درآمد، تعداد جرایم از نوع سرقت

نیز افزایش می‌یابد (مهرگان و گرشاسبی، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۹). در همین راستا می‌توان به پژوهشی اشاره کرد که با هدف بررسی چندین متغیر همچون نرخ بیکاری، نابرابری درآمد، نرخ تورم و نسبت شهرنشینی بر نرخ رشد جرایم در ایران انجام شده است و نتایج گویای آن است که همه متغیرهای فوق تا حدودی مؤثر و در این میان اثر متغیرهای نرخ تورم و نرخ بیکاری قوی‌تر است (فعال‌جو، ملابهرامی و امیری، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۲). با نگاهی به اصل سوم قانون اساسی، مشخص می‌شود که دولت موظف به عملیاتی نمودن سیاست‌هایی است که نتیجه بلافصل آنها تقویت قدرت مردمی در تحقق اهداف ملی است. برای مثال می‌توان به سیاست‌های ناظر بر تأسیس و ترویج اقتصاد صحیح و عادلانه، رفع تبعیض و از بین بردن محرومیت‌ها در زمینه‌های مختلف مانند مسکن و یا کار اشاره داشت.

۴-۲. حق بر تأمین اجتماعی

الف. تبیین

«حق بر تأمین اجتماعی» که دربردارنده حمایت کافی در برابر حوادثی همچون بیکاری، بیماری، پیری و آسیب‌های اجتماعی می‌شود در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر (مانند ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر) و افزون بر آن در قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است. از مهم‌ترین ملاک‌ها در تبیین جوهره نظام سیاسی و نوع نگرش حاکمیت به رابطه دولت و شهروندان، تأمین اجتماعی است. این موضوع به میزانی از اهمیت برخوردار است که برخی نویسندگان، محل نزاع نظریه‌پردازان و سیاستمداران در خصوص دولت کمینه‌گرایی لیبرال و یا دولت‌های موسوم به دولت رفاه را به طور مشخص در ملاک و شاخص «نظام تأمین اجتماعی» آنها جستجو می‌کنند (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص. ۳۰۹). در ارتباط با این موضوع می‌توان مؤیداتی نیز در سیره و گفتمان اسلامی سراغ گرفت. برای مثال می‌توان به ماجرای امام علی (علیه‌السلام) و پیرمرد نصرانی‌ای که مشغول گدایی بود، اشاره داشت. فرمایش امام (علیه‌السلام) آن بود که: این فرد تا جوان بود و می‌توانست کار نماید، در جامعه مورد توجه بوده و حال که پیر و فرسوده شده است؛ چرا رها شده؟ پس دستور فرمودند هزینه زندگی او از محل بیت‌المال تأمین گردد (منتظری، ۱۳۸۳، ص. ۵). در مجموع با عنایت به دیدگاهی که

بیان شد؛ می‌توان چنین اظهار داشت که در ماده ۹ میثاق متأسفانه موضوع حق بر تأمین اجتماعی خیلی مجمل و کلی بیان شده و بر خلاف روال کلی میثاق است که معمولاً موضوعات مربوط به حق‌های نسل دوم اعلامیه را به صورت جامع و مشروح تبیین نموده است. به همین خاطر است که می‌بینیم از موضوع مهم تعهد کشورها به تضمین این حقوق سخنی به میان نیامده و به صرف بیان شناسایی این حقوق بسنده شده است (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۱۵).

ب. جلوه‌های قانونی

این حق در اصل ۲۹ و بند ۴ اصل ۲۱ قانون اساسی نیز مورد اشاره قرار گرفته است. اصل ۲۹ بر سه مبنا استوار است: تأمین اجتماعی حقی عام‌الشمول است؛ این حق وظیفه‌ای را برای دولت پیش‌بینی می‌کند تا منبع مالی مناسبی را برای افراد جامعه ایجاد و زمینه تحقق عدالت اجتماعی را فراهم نماید (هاشمی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۱). برای تحصیل اهداف مذکور در بند ۴ اصل ۲۱، شاهد هستیم که در سال ۱۳۷۱ (شمسی) یک قانون مهم معروف به «قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست» تصویب می‌شود. افزون بر آن، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی نیز که در سال ۱۳۸۳ تصویب شده است در ماده ۱ به انگیزه وضع این قانون اشاره می‌کند که در اجرای اصول متعدد قانون اساسی و در راستای ایجاد انسجام کلان سیاست‌های رفاهی و حمایت از همه افراد کشور در برابر رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و پیامدهای آن، نظام جامع تأمین اجتماعی برقرار می‌گردد. در تبصره ۱ همین ماده تصریح شده که بهره‌مندی از مزایای تأمین اجتماعی حق همه افراد کشور است و دولت لازم است نسبت به تمهید مقدمات تحقق این حق، اقدامات لازم را بیاندیشد. تشکیل وزارت رفاه و تأمین اجتماعی نیز ماحصل ماده ۱۱ این قانون بود که متولی نظام جامع تأمین اجتماعی محسوب می‌شود.

پ. کارکرد پیشگیرانه

مهم‌ترین کارکرد حق تأمین اجتماعی آن است که این حق به عنوان ابزاری برای کاهش میزان فقر و مدیریت آسیب‌های منفی ناشی از آن عمل می‌نماید؛ ضمن آنکه جنبه ایجابی نیز داشته و به صیانت و تقویت کرامت شهروندی نیز کمک می‌نماید (عارفی، ۱۳۹۲، ص. ۶۵). اگر افراد جامعه مطمئن باشند که در صورت بروز حوادث یا ایجاد بیماری، بیکاری، ازکارافتادگی منبعی برای تأمین زندگی خواهند داشت شاید انگیزه‌ای به ثروت‌اندوزی و ارتکاب جرایم مالی نداشته باشند. بنابراین می‌توان بین فقدان تأمین اجتماعی و بزهکاری رابطه‌ای، ولو غیرمستقیم، ترسیم نمود (رحمدل، ۱۳۹۱، ص. ۷۸). بر این اساس می‌توان گفت میان مصادیق حق‌های رفاهی نوعی همبستگی وجود دارد به این نحو که با تضمین حق بر اشتغال، حق برخورداری از تأمین اجتماعی نیز تا حدود زیادی محقق خواهد شد اما از آن سو وجود مشاغل ناپایدار، سیاست‌های بی‌ثبات‌سازی شغلی و تضعیف اتحادیه‌های کارگری منتهی به وضعیتی خواهد شد که افراد در بستر آن از تأمین معاش خود و حمایت از موارد ازکارافتادگی بیمناک خواهند بود.

۴-۳. حق بر جامعه‌پذیری سازی شهروندان

الف. تبیین

پیشگیری اجتماعی با تأکید بر محیط زندگی در صدد خنثی کردن یا کاستن از وقوع جرم است. بزهکاری دارای علل مختلفی است که از آن جمله می‌توان به ضعف فرایند جامعه‌پذیری، نقصان در الگوی تربیت اجتماعی و یا فعال شدن کانون‌های محرومیت‌های مادی و غیر آن، اشاره داشت (عارفی، ۱۳۹۲، ص. ۶۳). با این توضیح مشخص می‌شود که رابطه‌ای دوسویه در اینجا وجود دارد؛ بدین صورت که بزهکاری رفتاری ضداجتماعی است و از سوی دیگر با اصلاح برخی از شرایط و ساخت‌های اجتماعی می‌توان به پیشگیری از بزهکاری اقدام نمود (ابراهیمی، ۱۳۹۰، ص. ۵۲).

ب. جلوه‌های قانونی

تأمین این حق علاوه بر پشتوانه اخلاقی از وجاهت قانونی نیز برخوردار است. برای مثال می‌توان به بند ۱ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره داشت. در این متن به صورت تلویحی آمده که نسبت بین حق و تکلیف دوسویه است و بر همین اساس تصریح شده

که شهروندان وقتی مکلف به انجام وظایف‌شان در ساخت اجتماعی هستند، لازم است که جامعه نیز شرایط لازم و ضروری برای رشد و تعالی ایشان را فراهم سازد. مضمون عبارات این ماده از اعلامیه و قاعده مذکور با بیانات امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در آغاز خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه تا حدّ زیادی قرابت دارد. ایشان می‌فرمایند: هیچ کس برخوردار از حقی نیست مگر آنکه بر او نیز حقی است و بر او حقی نیست جز آنکه او را حقی بر دیگری است و اگر بنا باشد که در موردی حق، یک‌سویه اجرا شود چنین موردی تنها از آن خدای سبحان است (عارفی، ۱۳۹۲، ص. ۷۶). بر این اساس است که امروزه در ادبیات حقوق بشر، اصطلاح «مسئولیت متوازن» را به‌کار می‌برند تا از رهگذر آن بر این موضوع پای فشارند که مسئولیت هر کس به اندازه اختیار، امکانات و وسایلی است که در اختیار وی نهاده شده است؛ یک شهروند به میزانی در قبال جامعه خود مسئولیت دارد که در مقابل، جامعه نیز وی را جامعه‌پذیر ساخته و وی را از حداقل امکانات معیشتی و فرهنگی بهره‌مند کرده باشد. در این راستا، برخی حقوق‌دانان واقع‌بین بیان می‌دارند پایه و اساس مسئولیت، تعلیم و تربیت و آگاهی اجتماعی است و کسی را که در محیط نادرست و شرایط بد اقتصادی و اجتماعی بار آمده نمی‌توان مسئول دانست (صانعی، ۱۳۴۲، ص. ۵۹۳). به دیگر سخن، در صورتی واکنش حاکمیت در قبال رفتار بزهکاران عادلانه و منصفانه خواهد بود که پیش از آن حاکمیت به تکالیف خود در قبال شهروندان که از جمله آنها جامعه‌پذیرسازی است عمل کرده باشد.

بنابر اصل سوم قانون اساسی، دولت مکلف است برای دستیابی به اهداف مذکور در اصل دوم، کلیه ابزارها را در راستای مبارزه با مظاهر فساد شناسایی نموده و به‌کار گیرد. طبعاً در این چشم‌انداز یکی از مظاهر فساد، بزهکاری است که موضوع بحث ما است. بنابراین از جمله تکالیف حاکمیت برای صیانت از کرامت شهروندان، پیشگیری از بزهکاری است. در این راستا بایستی «محیط مساعدی را برای رشد فضایل اخلاقی» ایجاد نماید. شهید بهشتی به عنوان یکی از افراد مؤثر در تدوین قانون اساسی در این رابطه بیان می‌دارند: در برابر محیط‌هایی که رشد نیک‌خواهی، خیرخواهی و خداخواهی انسان را آسان‌تر می‌کنند میدان‌هایی هستند که بُعد خودپرستی و تباه‌گرایی انسان را تسهیل می‌کند. اینجاست که اسلام بر ضرورت اصلاح محیط اجتماعی انگشت می‌گذارد (حسینی بهشتی، پیمان، فتاپور و کیانوری، ۱۳۸۱، ص. ۵۴). بر این اساس بیان

شده است که دو اصطلاح راعی و رعیت در کلام پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، ریشه در تفکر مسئولیت حاکم در تمثیت و پرورش امور مردم با هدف عالی و مهم نیل به سعادت دارد. این تمثیت از آن سبب برای حاکم و مردم به کار رفته که دغدغه ضرورت پاسداشت حقوق شهروندان را نشان دهد (بهروز لک، ۱۳۸۶، ص. ۲۶۵).

ذکر این نکته ضروری است که تمهید زمینه مناسب جهت ارتقای منش اخلاقی افراد جامعه هرگز به معنای جرم‌انگاری و استفاده از زور و اجبار نیست. به دیگر سخن، دولت بایستی در راستای متخلّق کردن شهروندان و هنجارپذیری آنها تمامی اهتمام خود را با استفاده از ابزارهای فرهنگی و آموزشی و تعلیمی به کار بگیرد. در کتب روایی بیان شده که هدف از بعثت پیامبر اکرم، تکمیل مکارم اخلاقی است در همین راستا آیات متعددی از قرآن بر این نکته تأکید دارند که پیامبر اکرم در انجام رسالت خود تنها بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده است. در واقع هدف نهایی تعلیمات اسلامی، ساختن انسان‌هایی پاک و برخوردار از انگیزه‌هایی خیر است. بدیهی است آنچه با این مقصود منطبق است تکیه بر شیوه‌های تربیتی و آموزشی و نه ابزارهای کنترل بیرونی از جمله جرم‌انگاری است (نوبهار، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۶). بر این اساس می‌توان با اتخاذ خوانشی پیشگیرانه به حق بر جامعه‌پذیرسازی - و نه در پیش گرفتن رویکردی مداخله‌جویانه - با تمسک به این حق زمینه رشد ارزش‌های اخلاقی و به تبع آن پیشگیری از بروز رفتارهای مجرمانه را ایجاد کرد.

۴-۴. حق بر تأمین مسکن مناسب

الف. تبیین

«حق برخورداری از مسکن و سرپناه مناسب» به مثابه یکی از حقوق رفاهی و اجتماعی تلقی می‌شود. تضمین این حق مستلزم کنشگری فعال دولت است. لذا می‌توان این حق را به لحاظ ماهیتی در زمره حق‌های مثبت محسوب کرد.

ب. جلوه‌های قانونی

در بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و همچنین در ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، برخورداری از سطح زندگی مناسب مشتمل بر خوراک، پوشاک و مسکن و مراقبت‌های بهداشتی پیش‌بینی شده است. در حقوق

داخلی، اصل ۳۱ قانون اساسی به این حق اشاره می‌کند. همچنین «قانون تهیه مسکن برای اقشار کم‌درآمد» مصوب ۱۳۷۲ هدف از تصویب این قانون را «تأمین مسکن برای محرومین سراسر کشور» می‌داند و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی را موظف می‌کند تا مبلغ پیش‌بینی شده در این قانون را «صرفاً جهت تأمین مسکن ارزان‌قیمت برای محرومین مصرف نماید». مطالعه مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در خصوص اصل ۳۱ نیز حاکی از تعهد به نتیجه رو به فزاینده دولت در این خصوص است جایی که دکتر بهشتی در پاسخ به انتقادات برخی اعضاء مبنی بر قید کردن شرط «در حد امکان»، بیان می‌دارند: همان‌طور که در فقه بحث شده در هر مبحثی، شرط قدرت و توانایی ملحوظ شده است (اسماعیلی و امینی‌پژوه، ۱۳۹۵، ص. ۸۴).

پ. کارکرد پیشگیرانه

ظهور پدیده حاشیه‌نشینی به ویژه در حاشیه شهرهای بزرگ محصول عدم تحقق یا تأمین ناکافی مسکن است. گرانی مسکن در شهرهای بزرگ منجر به آن می‌شود که اقشار کم‌درآمد به حاشیه شهرها منتقل شوند. فقدان مسکن مناسب، زندگی در زاغه‌ها یا اتاق‌های مخروبه، که خود معلول فقر و نابرابری اجتماعی و اقتصادی است در کنار سوء تغذیه و بهداشت ناکافی، عدم دسترسی به مراکز آموزشی می‌تواند زمینه را برای بروز آسیب‌های اجتماعی و جرایم فراهم کند. برخی مطالعات میدانی که با تمرکز بر مناطق حاشیه‌ای و کمتر برخوردار انجام شده است به وضوح پدیده «انزوای اجتماعی» و «به حاشیه رانده شدن»^۳ را نشان می‌دهد. امروزه مناطق فقیرنشین برخوردار از نسبت بالای وقوع جرم، پیش از هر چیز از فقدان همبستگی اجتماعی رنج می‌برند؛ عنصری که می‌تواند حفاظتی در برابر احساس محرومیت باشد. پیامد این وضعیت نیز چیزی جز پدید آمدن خشم و سرخوردگی در میان افراد به ویژه جوانان نیست (وایت و هینز، ۱۳۹۴، ص. ۳۳۳). پیمایشی که از رهگذر مصاحبه با ۳۰۰ نفر از جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله در ایران و در «پاکدشت» تهران انجام شده نشان می‌دهد که ارزیابی آنها از هویت محله‌ای‌شان نسبتاً نامناسب است به نحوی که نیمی از پاسخ‌گویان از احساس داغ‌خوردگی محله‌ای و طرد اجتماعی و روانی رنج می‌برند (خواجه صالحانی و اعم آزاد، ۱۳۹۴، ص. ۹۱). یافته‌های پژوهش دیگر که با تمرکز بر یکی از مناطق حاشیه‌ای

شهر همدان و با ابزار پرسشنامه اطلاعات مربوط به ۳۸۳ زن مشتمل بر دو گروه مبتلا (آسیب‌پذیر) و مبراً (فاقد آسیب) انجام شده است نشان می‌دهد بیشتر زنان مبتلا به آسیب در سنین ۲۵ تا ۴۴ سال قرار دارند و بیشتر آنها خانه‌دار هستند و اعتیاد، خودکشی، دزدی و تن‌فروشی به ترتیب بیشترین فراوانی را در این منطقه دارد (عنبری و بقایی، ۱۳۹۳، ص. ۲۲۱). بر این اساس می‌توان گفت قصور دولت‌ها در تأمین حق شهروندان در برخورداری از مسکن مناسب و متناسب با شأن انسانی پیامدهای نامطلوب بسیاری را در پی دارد؛ محروم ماندن جامعه از امکان مشارکت فعالانه پاره‌ای شهروندان به واسطه طرد اجتماعی، حاشیه‌نشینی و بدنام شدن برخی محلات که در تعبیر مقامات پلیسی و قضائی از آنها به عنوان محلات جرم‌خیز یاد می‌شود و همچنین تشدید وضعیت بی‌سازمانی اجتماعی و همچنین تشدید بزه‌دیدگی از جمله این پیامدهاست. یکی از مهم‌ترین تلاش‌ها به منظور تضمین حق بر مسکن در دولت‌های پس از انقلاب، طرح مسکن مهر بود. انجام این طرح افزون بر آنکه باعث خانه‌دار شدن تعدادی از شهروندان از راه اعطای تسهیلات شد از حاشیه‌نشینی آنها نیز جلوگیری کرد. به رغم این پیامدهای مثبت، به نظر برخی از نویسندگان نایستی از ابعاد جرم‌زای این طرح که از بُعد جامعه‌شناختی موجبات تعارض فرهنگی، گمنامی، و کاهش سرمایه اجتماعی را فراهم می‌کند غافل شد (بابایی و قربان‌پور، ۱۳۹۳، ص. ۴۵).

۴-۵. حق بر آموزش

الف. تبیین

«حق بر آموزش» یکی از مهم‌ترین حقوق است که در حوزه تدابیر «پیشگیری رشدمدار» قرار می‌گیرد. این پیشگیری به عنوان گونه‌ای از تدابیر پیشگیرانه اجتماعی با تأکید بر دوران کودکی و نوجوانی، در تلاش است با بهبود محیط خانوادگی، اجتماعی و تحصیلی کودکان و نوجوانان، از گرفتاری آنها در دام بزهکاری جلوگیری نماید.

ب. جلوه‌های قانونی

این حق در ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک تصریح شده است. همچنین در بُعد داخلی، بند ۳ اصل ۳ و اصل ۳۰ قانون اساسی را داریم که تصریح دارد

دولت باید برای همه اشخاص ذی‌صلاح، زمینه و امکان دسترسی به آموزش رایگان را فراهم سازد. این حق در قانون اساسی ایران مورد تأکید بوده است (نگاه کنید به بند ۱ اصل ۴۳). در حوزه قوانین عادی نیز قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳ و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ به این حق بنیادین بشری اشاره می‌کند. در این قوانین، صرفاً به پیش‌بینی این حق اکتفا نشده، بلکه چگونگی کاربست مناسب آن نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در این خصوص جهت‌گیری آموزش و پرورش باید مورد توجه باشد. به این معنا که کمک نمودن به رشد شخصیت انسان باید به عنوان جهت‌گیری اصلی این نهاد تعریف و تصویب گردد (عارفی، ۱۳۹۲، ص. ۸۵). نقش حیاتی آموزش و پرورش در زندگی نوین و تأثیر آن در آینده اجتماعی کودک از یک سو و تعالی و رشد جامعه مسئله‌ای است که از چشم تدوین‌کنندگان کنوانسیون حقوق کودک مخفی نمانده است. آموزش ابتدایی اجباری، تشویق به مراحل بعدی تحصیل، ایجاد زمینه‌های لازم برای بهره‌مندی کودک از این آموزش‌ها و جهت‌گیری آموزش همگام با کرامت انسانی کودک از مواردی است که به آن تأکید شده است (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص. ۳۵۶).

پ. کارکرد پیشگیرانه

عدم تضمین این حق از سوی دولت موجبات ناآگاهی، عدم جامعه‌پذیری یا جامعه‌پذیری ناقص کودکان و نوجوانان را در پی دارد. البته افزون بر تکلیف دولت در به رسمیت شناختن این حق، نقش معلمان در اجرای کامل و دقیق این حق اهمیت بسیاری دارد. کسب نمرات پایین، غیبت و فرار از مدرسه، اختلاف با هم‌سالان و معلمان نشانه‌هایی از رفتارهای خطرناک محسوب می‌شوند. با این تفسیر لازم است که به این مصادیق عینی به عنوان یک نشانه، توجه شود و برای پیشگیری از انحراف‌های بعدی و آثار منفی ناشی از آنها، مراقبت‌های ویژه‌ای تعریف و عملیاتی شود (خواججه‌نوری و لکی، ۱۳۹۲، ص. ۷۳۶). در این میان، نقش مهم آموزش و پرورش در کیفیت اجرای این حق از اهمیت بسیاری برخوردار است که سزوار است مورد عنایت ویژه دولتمردان قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که عدم تضمین حقوق مدنی و سیاسی شهروندان موجبات استبداد و خودکامگی زمامداران را به وجود می‌آورد عدم تحقق حق‌های اجتماعی و رفاهی نیز به نابرابری اجتماعی، انزوا، طرد و احیاناً بزهکاری شهروندان منتهی می‌شود. در واقع انسان به همان میزان که به «آزادی» نیاز دارد به «برابری» نیز محتاج است؛ در واقع دولت‌ها مکلف‌اند نیازهای شهروندان خود را به صورت متوازن و متعادل تأمین کنند. ذات آدمی همان‌گونه که از بندگی و محدودیت بیزار است از نابرابری و تبعیض نیز روی‌گردان است. در عصر حاضر آن‌گونه که به آزادی ارج نهاده می‌شود ضرورت برابری قدر دانسته نمی‌شود که این امر قلمرو پیشگیری از جرم را به طور خاص تحت تأثیر قرار داده است به نحوی که اقدامات پیشگیرانه وضعی بیش از تدابیر پیشگیری اجتماعی مورد اقبال و استفاده دولت‌ها قرار می‌گیرند. برنامه‌های پیشگیری اجتماعی که روی دیگر حق‌های اجتماعی و رفاهی هستند چون زمان‌بر، هزینه‌بردار و تدریجی‌اند و افزون بر آن در زمره تعهدات ایجابی دولت‌ها قرار دارند به ندرت در برنامه‌های توسعه دولت‌ها که حیات سیاسی خود را در پرتو برنامه‌های زودبازده می‌جویند جای دارند. این‌گونه از تدابیر پیشگیرانه که گوهر آن مبتنی بر آگاهی و دانایی است با کرامت انسانی نیز سازگارتر هستند. گفتمان غالب بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد قانونی تقنینی همچون قوانین عادی به وضوح گویای لزوم تکلیف دولت به ایفای تعهدات خود در زمینه به رسمیت شناختن و تضمین حق‌های رفاهی است که تحقق آن در عمل منجر به پیشگیری اجتماعی از جرم می‌شود.

یادداشت‌ها

۱. علت اختلاف میان سال میلادی و سال شمسی آن است که معمولاً دولت ایران با تأخیری چند ساله به تصویب برخی کنوانسیون‌های بین‌المللی پرداخته است.
۲. مطابق ماده ۹ قانون مدنی «مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است» بر این اساس ذکر برخی از اسناد بین‌المللی از آن جهت است که مفاد آنها در حکم قانون داخلی محسوب می‌شوند.

3. Marginalization

کتابنامه

- امام علی (علیه السلام) (۱۳۸۴). *نهج‌البلاغه*. سید رضی، حسین استاد ولی، مترجم. تهران: اُسوه.
- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۰). *جرم‌شناسی پیشگیری*. تهران: میزان.
- اسلامی، رضا و آجلی لاهیجی، مهشید (۱۳۹۵). «چالش‌های توسعه اجتماعی در نظام بین‌الملل حقوق بشر؛ با تأکید بر حق بر آموزش، حق بر بهداشت و رفع فقر»، *تحقیقات حقوقی*. ۱۹(۷۵)، ۲۴۴-۲۱۱.
- اسماعیلی، محسن و امینی پژوه، حسین (۱۳۹۵). «تحلیل ماهیت و نظام حقوقی حاکم بر رشد دولت در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *دانش حقوق عمومی*. ۵(۱۴)، ۹۴-۶۹.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۸۶). «دولت‌های اجتماعی و چالش‌های پیش رو»، *دانش سیاسی*. ۳(۲)، ۶۲-۳۷.
- بابایی، محمدعلی و قربانپور، مریم (۱۳۹۳). «ابعاد جرم‌زایی سیاست مسکن مهر»، *پژوهش حقوق کیفری*. ۳(۹)، ۵۶-۳۳.
- برنارد، تامس؛ اسنیپس، جفری و جرولد، الکساندر (۱۳۹۲). *جرم‌شناسی نظری ولد* (علی شجاعی، مترجم). تهران: دادگستر.
- بهر روز لک، غلامرضا (۱۳۸۶). «کرامت انسانی و شهروندی متعهدانه در اندیشه امام خمینی»، *در: اصول و مبانی کرامت انسانی*، ج ۱، همایش بین‌المللی امام خمینی و قلمرو دین. تهران: عروج.
- جندلی، مندلی (۱۳۹۳). *درآمدی بر پیشگیری از جرم (تعاریف، رویکردها و دورنما)* (شهرام

- ابراهیمی، مترجم). تهران: میزان.
- حسینی بهشتی، سید محمد؛ پیمان، حبیب‌الله؛ فتاپور، مهدی و کیانوری، نورالدین (۱۳۸۱). *آزادی، هرج و مرج، زورمداری*. تهران: بقعه.
- خواجه صالحانی، افسانه و اعظم آزاد، منصوره (۱۳۹۴)، «تشخیص محله و احساس طرد اجتماعی»، علمی - پژوهشی *رفاه اجتماعی*. ۱۵(۵۹)، ۹۱-۱۲۰.
- خواجه نوری، یاسمن و لکی، زینب (۱۳۹۲). *رویکرد اسناد بین‌المللی ویژه کودکان در زمینه پیشگیری از جرم*. در: *دایرةالمعارف علوم جنائی*، کتاب دوم، تهران: میزان.
- رحمدل، منصور (۱۳۹۱). «حمایت کیفری از حقوق ملت»، *تحقیقات حقوقی آزاد*. ۵(۱۸)، ۵۹-۸۴.
- صادقی، حسین؛ شقاقی شهری، وحید و اصغرپور، حسین (۱۳۸۴). «تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران»، *تحقیقات اقتصادی*. ۴۰(۱)، ۶۳-۹۰.
- صانعی، پرویز (۱۳۴۲). «مسئولیت جزائی»، *حقوق امروز*. ۹(۱۰-۹)، ۲۱-۱۷.
- عارفی، مرتضی (۱۳۹۲). «پیشگیری کرامت‌مدار از جرم». (پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی)، دانشگاه مفید قم، قم، ایران.
- عباسی‌نژاد، حسین؛ رضانی، هادی و صادقی، مینا (۱۳۹۱). «بررسی رابطه بیکاری و جرم در ایران: رهیافت داده‌های تلفیقی بین‌استانی»، *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*. ۲۰(۶۴)، ۶۵-۸۵.
- عنبری، موسی و بقایی، سارا (۱۳۹۳)، «ارتباط فرهنگ فقر و آسیب‌گرایی زنان حاشیه‌نشین شهری»، *توسعه محلی*. ۶(۲)، ۲۰۹-۲۳۲.
- فعال‌جو، حمید؛ ملابهرامی، احمد و امیری، حسین (۱۳۹۶)، «بررسی غیرخطی عوامل مختلف اقتصادی مؤثر بر وقوع جرم در ایران»، *مجلس و راهبرد*. ۲۴(۹۰)، ۱۰۱-۱۲۴.
- قاری سید فاطمی، محمد (۱۳۸۸). *حقوق بشر در جهان معاصر* (۲ ج). تهران: شهر دانش.
- کریون، متیو سی. آر (۱۳۸۷). *چشم‌اندازی به توسعه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی* (محمد حبیبی مُجنده، مترجم). قم: دانشگاه مفید.
- منتظری، حسین‌علی (۱۳۸۳). *رساله حقوق*. قم: سرایی.
- مهرگان، نادر و گرشاسبی فخر، سعید (۱۳۹۰). «نابرابری درآمد و جرم در ایران»، *پژوهش‌های اقتصادی*. ۱۱(۴)، ۱۰۹-۱۲۵.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۹). «پیشگیری عادلانه از جرم»، *علوم جنایی*. تهران: سمت.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیکی، حمید (۱۳۹۳). *دانشنامه جرم‌شناسی*. تهران: گنج دانش.

نوبهار، رحیم (۱۳۹۰). «اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری»، آموزه‌های حقوق کیفری. (۱)، ۹۱-۱۱۴.

هاشمی، محمد (۱۳۸۳). بررسی مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه قانون اساسی، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت. تهران: گرایش.

هاشمی، محمد (۱۳۸۸). حقوق اقتصادی و اجتماعی بشر از تئوری تا عمل، حقوق بشر در جهان معاصر. قم: آیین احمد.

وایت، راب و هینز، فیونا (۱۳۹۴). جرم و جرم‌شناسی (علی سلیمی، مترجم). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

"Crime Prevention Through Social Development", (1995). *The John Howard Society of Alberta*, <http://www.acjnet.Org/docs/cps:djhs.html>.

Frequently Asked Questions on Economic, Social and Cultural Rights (2008). Fact Sheet No.33, United Nations, Geneva.

Grant, Heath (2015). *Social Crime Prevention in the Developing World; Exploring the Role of Police in Crime Prevention*, Springer.

Lab, p. Steven (2014). *Crime Prevention; Approaches, Practices and Evaluations*. Anderson Publishing.

Waller I. and Weiler D. (1985). "Crime prevention through social development". Ottawa: *Canadian Council on Social Development*.